

مقاله علمی

نگاهی مردم‌شناختی به برساخت معنایی نذر در تجربه زیسته زنان ساکن تهران

راضیه (گیتی) خزاعی^۱، مجید موحد مجد^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۵، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸)

چکیده

نذر یک رفتار آیینی و دینی است و اگرچه در بسیاری از ادیان، به عنوان یک کنش دینی با اهمیت حضور دارد، اما در بین شیعیان، نذر با زندگی روزمره مردم نیز درآمیخته و همچون سایر رفتارهای دینی، هم در بافت اجتماعی و فرهنگی و هم در بافت ذهنی کنشگران، حضور و معنای مستقلی دارد. نذر یک رفتار آیینی - دینی خودخواسته، خلاقانه و در مواردی ممکن است حتی کاملاً ابداعی و منحصر به فرد باشد. با تصمیم به انجام نذر، قراردادی بین فرد نذرکننده و امر قدسی منعقد می‌شود و معمولاً تا زمانی که نذرکننده اقدام به ادای نذر خود نکند، با نظام اجتماعی و فرهنگی پیوندی ندارد و به تمامی درونی، ذهنی و معنایی است. اما به محض اینکه فرد نذرکننده اقدام به ادای نذر می‌کند، نذر از ساحت یک امر ذهنی به یک برساخته فرهنگی و اجتماعی و حتی دینی ارتقا پیدا می‌کند و از ساحت یک امر خودخواسته به یک منسک، یک کنش اجباری دینی و یک رفتار دینی تبدیل می‌شود. با وجود این نذر به عنوان یک رفتار آیینی، در بستر فرهنگی برساخته می‌شود. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری و نگاهی مردم‌شناختی، معنای نذر به عنوان یک رفتار آیینی در فرهنگ مورد واکاوی قرار گیرد. به این منظور نگاه تاریخی به نذر مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده است با مروری بر سابقه فرهنگی نذر، معنای این آیین در حیات انسان امروز تحلیل گردد. تأکید این پژوهش بر جایگاه نذر در بین زنان تهرانی است و تلاش شده است با مطالعه معنای نذر در تجربه زیسته زنان ساکنان شهر تهران، برساخت‌های ذهنی زنان درباره نذر بر اساس مفهوم «امنیت»، هراس از ناشناختگی جهان و ناامنی ناشی از رویدادهای ناشناخته، مبهم و هراسناک مورد تحلیل قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: نذر کردن، مطالعه کیفی، پدیدارشناسی، تحلیل تماتیک، جامعه‌شناسی دین، دین و زندگی روزمره، امر قدسی، تیپ ایده‌آل، شعائر شیعی

۱ دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، gkhazaie@gmail.com

۲ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)، mmovahed@rose.shirazu.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «مطالعه معنای نذر در تجربه زیسته زنان ساکن تهران؛ یک مطالعه کیفی» است که در شهریورماه ۱۳۹۵ با راهنمایی دکتر مجید موحد مجد و مشاوره محمدتقی ایمان و اسفندیار غفاری‌نسب دفاع شده است.

مقدمه

دین یکی از موضوعات مورد توجه و جذاب مردم‌شناسی است و در بین مردم‌شناسان کلاسیک و مدرن، یکی از موضوعات اصلی و جذاب مورد مطالعه آنهاست. دین چه به علت آیین‌های مرتبط با آن - که یک موضوع اصلی مردم‌شناسی است - و چه به علت جایگاه دین در جوامع انسانی و نقش آن در زندگی انسان‌ها دارای اهمیت ویژه مطالعاتی در مردم‌شناسی است. علاوه بر این، اعتقادات، باورها و مناسکی که انسان‌ها برای به نمایش گذاردن یا معرفی اعتقادات و باورهای خود انجام می‌دهند، موضوع بااهمیت در حوزه مطالعه مردم‌شناسی است. امروزه مردم‌شناسی مدرن فقط به جنبه آیینی مناسک و اعتقادات دینی توجه ندارد، بلکه به نقش و جایگاه اعتقادات و مناسک دینی در زندگی روزمره مردم نیز توجه دارد (Ammerman, 2014; Davie, 2007 و بوی، ۱۳۹۲).

مطالعات مردم‌شناسانه دینی، همچون مطالعه درباره دین در سایر حوزه‌های مطالعاتی علوم اجتماعی، به درستی یا نادرستی گزاره‌های دینی نمی‌پردازد. هدف مردم‌شناسان از مطالعه دین و رفتارها، مناسک و آیین‌های دینی عمدتاً این است که اولاً بفهمند انجام اعمال دینی، پایندی به دین، انجام مناسک، و وابستگی و حضور در نهادهای دینی چه تأثیری بر زندگی روزمره افراد دارد و دوم اینکه چگونه می‌توان فهم مردم از اعمال دینی، مناسک، آیین‌ها و شعائر دینی را توصیف کرد. معمولاً آن دسته از اعمال دینی در حوزه مطالعاتی مردم‌شناسی قرار می‌گیرند که بتوان آنها را جزو مناسک و شعائر هم به شمار آورد، من جمله، زیارت، شفا، نذر، دعا و نیایش. اینها رفتارهایی هستند که ممکن است هم در قالب مناسک دینی و هم مستقل از مفهوم مناسک، و فقط به عنوان یک عمل دینی مورد توجه مردم‌شناسی قرار گیرند.

نذر یک عمل دینی ذهنی است. ذهنی از این نظر که قرارداد^۱ (یا تعهد)^۲ «ذهنی»^۳ بین نذرکننده و نیروی برتری که قادر به برآورده کردن خواسته فرد است، به واسطه موضوع نذر بر ساخته می‌شود. نذر قراردادی ذهنی با نیروی برتر است و فرد با ارتباط با نیروی برتر از طریق نذر خود را ملزم به انجام کاری می‌کند و بر اساس همین ارتباط قدسی، به این قرارداد ذهنی پایبند می‌ماند و پیمان‌شکنی نمی‌کند.

1 contract
2 commitment
3 subjective

در این مقاله توضیح داده خواهد شد که این قرارداد و تعهد ذهنی با موجود برتر و امر قدسی چگونه برساخته می‌شود. نیروی برتر در ذهن نذرکننده‌ها چه معنایی دارد که می‌تواند چنین باور و تعهد عمیقی را در فرد نذرکننده برانگیزد که با قاطعیت و صداقت به موضوع نذر خود پایبند باقی بماند. نگاه مردم‌شناختی به موضوع مبادله و تعهد و احساس امنیت انسان به واسطه ارتباط با موجود برتر، از مواردی هستند که در پاسخ به این سؤالات و در مطالعه پدیدارشناسانه حاضر به آنها پرداخته شده است.

بر اساس رویکرد پدیدارشناسی، جهان و دنیای فرهنگی به وسیله انسان‌ها و به صورت ذهنی برساخته می‌شود و واقعیت و ذات پدیده‌ها بر اساس معنایی شکل می‌گیرد که انسان‌ها به پدیده‌ها الصاق می‌کنند. برای فهم پدیده‌ها و پی بردن به ذات و ماهیت آنها، آنچه می‌تواند برای کشف معنا مورد استفاده قرار بگیرد، تجربه زیسته و معانی ذهنی الصاق‌شده توسط کنشگران به این پدیده‌هاست (جمادی، ۱۳۹۲).

انسان‌ها بر اساس نظام معنایی و فرهنگی هر جامعه که به صورت تهنشست در چارچوب ذهنی و فرهنگی افراد جامعه حضور دارد، رفتار می‌کنند. دین، مناسک و شعائر دینی به عنوان نظام معنایی مهم و گسترده‌ای که زیست اجتماعی و فرهنگی افراد در جوامع مختلف را رقم می‌زند، یکی از چارچوب‌های معنایی بااهمیتی است که بخشی از ذات و ماهیت کنش‌های افراد را تعیین می‌کند و افراد را به انتخاب رفتار متناسب با نظام معنایی و ارزشی آنها هدایت می‌کند و برای پی بردن و کشف آن باید با مراجعه به تجربه زیسته کنشگران به معنای ذهنی پدیده در ذهن آنها پی برد.

نذر و نذر کردن هم مانند بسیاری از شعائر و مناسک دینی دیگر دارای ذات و ماهیتی است که بر اساس معنایی که افراد بر اساس مقتضیات فردی و ذهنی خود به آن الصاق می‌کنند، در ذهن کنشگران معنی و مفهوم پیدا می‌کند. بر اساس این ذات و ماهیت، نذر به واسطه ارتباط با امر قدسی تحمل فرد را در مقابل ناملازمات و سختی‌هایی که به او تحمیل می‌شود، بالا می‌برد، امید به حل مسئله و غلبه بر مشکل را در او افزایش می‌دهد، قدرت مضاعف و انرژی در نذرکننده ایجاد می‌کند و به او این اطمینان را می‌دهد که نیروی قدسی قابلیت تحمل دشواری کاری را که فرد می‌خواهد انجام دهد، به او می‌دهد تا با مشکل خود مقابله کند. همچنین این ارتباط معنایی نذرکننده را امیدوار می‌کند که در شرایطی که دیگر راه‌ها و روش‌های حل مسئله دشوار یا

غیرممکن است، می‌تواند از طریق نذر و قراردادی که برای حل مشکل با امر قدسی منعقد می‌کند و حل مسئله را به امر قدسی واگذار می‌کند، می‌تواند به حل مشکل خود امیدوار باشد. بنابراین نذر هم در حیات دینی افراد ظهور پیدا کرده و هم اینکه به صورت تفاهم ذهنی متقابل بین نذرکننده (انسان کنشگر) و نذرپذیرنده (خداوند)، به صورت یک رابطه مستقل یا به واسطه قدیسان و افراد مقدس و در فضای تجربه زیسته افراد به ظهور رسیده است. ذات و ماهیت کارگشایانه نذر که بر اساس توافق ذهنی با نذرپذیرنده (خداوند)، به آن الصاق می‌شود، در ذهن افراد و تجربه زیسته آنها به صورت یک رفتار آیینی ظهور پیدا می‌کند و فرد باید با صرف هزینه مشخص، به صورت نتیجه‌ای معین ظهور پیدا کند و برای ظهور در نظام عینی اجتماعی از ابزار خاصی استفاده کند.

علاوه بر اینها نذر، یک توافق و تعهد ذهنی هم هست. توافق و تعهدی که فرد به صورت ذهنی بین خود و امر قدسی برقرار می‌کند و پیمان می‌بندد که در صورت دریافت پاسخ مثبت و حل مشکل و عبور از بحران، نذر خود را ادا کند. مختصات این توافق، تفاهم و تعهد، که وجه بارز آن ذهنی بودن آن است، توسط فرد نذرکننده تعیین می‌شود. گرچه ممکن است برخی از انواع نذر با هدف ارتقای روح و تکامل جان انجام شود، اما عموماً نذرها برای تسهیل زندگی روزمره، غلبه بر مشکلات یا حل آنها هستند. نذرها به واسطه ارتباط فرد با روح قدسی، تحمل سختی را آسان می‌کند و از مشقت زیست روزمره می‌کاهد. آیینی بودن نذر هم با برقرار کردن رابطه بین فرد و محیط فرهنگی و اجتماعی که فرد در آن محیط نذر خود را ایجاد می‌کند و انجام می‌دهد، فضای ذهنی امنی را برای فرد فراهم می‌کند و به او کمک می‌کند تا در زندگی پرهراس و احاطه شده با نگرانی و دل‌آشفتگی، امکانی برای احساس آرامش و امنیت ایجاد کند.

قواعد و قوانین دینی هدایت‌کننده جزئیات ماهوی نذرها نیستند. شیوه نذر کردن بر اساس آموزه‌های دینی تعیین می‌شود و باید از قواعد دینی پیروی کنند، اما محتوای آن توسط خود فرد باورمند تعیین می‌شود و آئین‌های انجام نذر هم توسط خود فرد انتخاب و انجام می‌شوند. نذر یک عمل دینی قائم به فرد است. یعنی فرد کاملاً خود-محور معنایی ذهنی به نذر الصاق می‌کند و در ازاء و بر اساس این معنای ذهنی متعهد می‌شود در قبال برآورده شدن نیاز و تأمین خواسته فردی یا اجتماعی‌اش، اقدام به امری بیرونی کند. این امر بیرونی، می‌تواند از تأمین نیازهای سایر افراد تا اقدامات گسترده اجتماعی مانند آبادانی زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس، ساخت و توسعه

اماکن عمومی و موارد مشابه را شامل شود. البته بخشی از نذرها هم معطوف به امر بیرونی نیستند و فرد با «پیمان نذر» متعهد می‌شود در قبال برآورده شدن خواسته‌اش - که معمولاً خواسته‌ای فردی است - اقدامی شخصی، انفرادی و معمولاً مذهبی انجام دهد.

نذر یک عبادت خودمحور است و بر خلاف دیگر آئین‌های مذهبی که بر اساس آموزه‌های مذهبی به فرد آموخته می‌شود که چگونه عبادت کنند، چه چیزی را عبادت کنند و بر اساس چه چارچوب و الگویی عبادت کنند، نذر یک آئین مذهبی است که خود فرد مختصات آن را تعیین می‌کند و معیارها و نحوه انجام آن، توسط خود فرد خلق، ابداع و برساخته می‌شود.

مردم‌شناسان معتقدند «گزاره‌های کیهان‌شناختی یا اعمال منسکی از نظر احتمال درست یا غلط بودن مورد توجه قرار نمی‌گیرند، بلکه از این نظر مورد توجه قرار دارند که آشکارکننده پیکره‌ای منسجم از تفکر هستند که به نوبه خود یک فرهنگ و ساختار اجتماعی را می‌سازند» (بوی، ۱۳۹۲: ۶). نذر کردن هم ممکن است به شکل آیینی یا غیر آن انجام شود و بر اساس معنای ذهنی آن برای کنشگران و چگونگی ظهور آن در تجربه زیسته به ظهور برسد. توصیف مفهوم تعهد، چگونگی برساخت تعهد، قول و قسم و مناسک آیینی از موضوعات مورد توجه مطالعات مردم‌شناسی است که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

به موجب این مطالعه و با تأکید بر فهم متن اجتماعی-فرهنگی و ذهنی کنشگران، تلاش شده است تا الگوهای معنا و روابط موجود در نظام اجتماعی-فرهنگی شناسایی شود. دستیابی به محتوای ذهنی افراد درباره نذر به ما در کشف نظام معنایی مشترک انسان‌ها و نیز کشف مفاهیم بین‌الذهانی کنشگران نذر درباره ذات و ماهیت نذر کمک می‌کند.

پیشینه و تاریخچه موضوع پژوهش

درباره نذر مطالعات فراوانی انجام شده است و منابع بسیاری درباره آن وجود دارد. از مطالعات فقهی درباره نحوه انجام نذر گرفته تا سایر مطالعاتی که با تأکید بر بعد دینی نذر، به مقایسه نذر و اصول و قواعد فقهی مرتبط با آن بین شیعه، سنی، و احادیثی که بر انجام نذر تأکید کرده‌اند، شرایط لزوم و وجوب نذر، آثار مادی و معنوی نذر بر نذرکننده و نذرگیرنده پرداخته‌اند. مطالعات محدودی با رویکرد جامعه‌شناسانه یا مردم‌شناسانه به نذر توجه کرده و نذر یا شعائر دینی را در متن حیات اجتماعی مورد توجه و مطالعه قرار داده‌اند که در ادامه تعدادی از این پژوهش‌ها بیان می‌شود.

مطالعات خارج از ایران

یکی از مهم‌ترین مطالعاتی که به صورت متمرکز، به بررسی نذر پرداخته و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی این کنش دینی را مورد بررسی قرار داده است، کتاب سلوا جی. راج و ویلیام پی. هرمن^۱ (۲۰۰۶) با عنوان «معامله با خدایان: مراسم نذر در جنوب شرق آسیا» است که به بررسی موضوع نذر بین گروه‌های مذهبی ساکن در جنوب شرقی آسیا پرداخته است. در این کتاب تأکید شده است نذرهای مسلمانان هدف-محور و معمولاً به دنبال نتایج کاملاً مشخص و دقیق هستند. نویسنده در این کتاب می‌نویسد «نذر برقراری یک رابطه با نیروهای ماوراءالطبیعی است که طی آن قول‌هایی داده می‌شود، تعهداتی مورد قبول قرار می‌گیرند و امید دارند به اینکه این تعهدات یا پیمان‌ها، در صورت انجام شدن، منتج به هدایای مادی، غیرمادی یا ملکوتی خواهند شد».

همچنین پژوهشگر در این تحقیق با بررسی نذر بین سایر ادیان می‌گوید: «آنچه در نذر هندوها مورد توجه قرار گرفته این است که نذر، قرارداد یا تعهدی است که در ارتباط با نیروهای نحس و شر بر ساخته می‌شود» (۳۹).

نذر بین کاتولیک‌های ساکن در جنوب شرق آسیا هم مورد توجه نویسنده کتاب قرار گرفته است. به روایت پژوهشگر، نذر در بین کاتولیک‌های تامیل، در رابطه با مکان‌های مقدس انجام می‌شود و به صورت وقف کردن شخصی صورت می‌پذیرد. ممکن است نذرکننده موی خود را بترشد، یا یک خوراکی هدیه کند یا حتی فرزند خود را به حراج بگذارد. این نذرها به صورت همگانی و جمعی انجام می‌شود، و عملی به غایت جمعی است و همه افراد - حتی افراد غیربومی و غیرکاتولیک - باید در آن مشارکت کنند. در واقع در این نوع نذر، این افراد عضو گروه یا جامعه هستند که امکان ادا شدن نذر فرد را ایجاد می‌کنند و اگر همکاری و همراهی آنها نباشد، نذر انجام نمی‌شود.

کتاب «اقتدار اسلامی از قرن ۱۶ تا ۲۱ در جنوب شرقی آسیا» (۲۰۰۷) یکی دیگر از مطالعاتی است که در آن به صورت میدانی، مفهوم نذر در جنوب شرقی آسیا مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب حامل اطلاعات دست اول درباره رسوم مرتبط با نذر کردن، نحوه ادای نذر و آداب اجتماعی مرتبط با آن بین گروه‌های مورد مطالعه است.

1 Selva J. Raj & William P. Harman

یکی دیگر از منابع، مقاله‌ای با عنوان «رابطه بین قوانین اسلام و یهود درباره نذر و قسم» است. روزنبلات^۱ (۱۹۳۵) در این مقاله با مراجعه به منابع دست اول و اطلاعات موجود در قرآن و تورات، به مصادیق دینی نذر در دو دین و ریشه‌های مشترک نذر بین دو دین بزرگ اسلام و یهود توجه کرده است.

برلینر بلاو^۲ در کتاب «نذر و گروه‌های عامه دینی در اسرائیل باستان» (۱۹۹۶) به مطالعه جایگاه نذر بین مردم و دین عامه پرداخته و نشان داده است که چطور در چارچوب نذر نوعی ارتباط دینی مشروط بین نذرکننده و خداوند ایجاد می‌شود که بر اساس آن، نذرکننده انجام عمل خود را مشروط به برآورده شدن خواسته خود از جانب خداوند می‌داند.

کتاب «قول‌ها، قسم‌ها و نذرها» تألیف هربرت اشلاینگر^۳ (۲۰۰۸: ۶) نیز یکی دیگر از کتاب‌هایی است که نویسنده در آن دلایل فردی و ذهنی نذر، قول، و قسم را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب با محوریت مفهوم «روانشناسی قول» نوشته شده است. بر اساس این کتاب، در نذر یا قسم، یک شخص سوم وجود دارد، دارای اهمیت کلیدی است و ممکن است، زنده، مرده یا جاودانه باشد و به واقع وجود او، ضامن تحقق و برآورده شدن نذر یا قسم است و فرد از او طلب کمک می‌کند.

مطالعات داخل ایران

در ایران هم مطالعات محدودی در مراجعه به نذر در متن حیات اجتماعی و فرهنگی انجام شده است. برخی در حوزه جامعه‌شناسی و برخی در حوزه مردم‌شناسی انجام شده است. ولی‌لو (۱۳۹۱) در پژوهش «سفره‌های نذری در شهر تهران» تلاش کرده تا با الصاق سفره‌های نذری ذیل باورهای عامیانه مردم، سفره‌های نذری را پیونددهنده باورهای دینی و باورهای فرهنگی مردم معرفی کند. در مجموع، این پژوهش، سفره را نوعی عهد و پیمان بین فرد با روح جاری در جهان دانسته که با هدف برآورده شدن مشکلات انجام می‌شود و در عین حال با تقویت قدرت روانی و ذهنی افراد باعث بالا بردن انرژی افراد نذرکننده می‌شود.

پژوهش دیگر، «بررسی تحلیل مردم‌شناختی زیارتگاه‌های شهرستان کاشان» است، یک پژوهش کارشناسی ارشد که در سال ۱۳۹۱ عباس تراب‌زاده در دانشکده علوم تربیتی و

1 Rosenblatt

2 Berlinerblau

3 Herbert Schlesinger

روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام داده است. این پژوهش شیوه‌های مختلف حاجت‌خواهی، متوسل شدن، و دخیل بستن زائران را در بقعه‌ها و زیارتگاه‌های کاشان مورد بررسی قرار داده است. پژوهشگر در این پژوهش بیان می‌کند که حضور در فضاهای معنوی موجب ایجاد آرامش روانی و روحی زائران (یا نذرکننده‌ها) می‌شود.

در پایان‌نامه «تحلیل مردم‌شناختی امامزاده‌های شهرستان خرم‌آباد» پژوهشگر با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی کارکردهای روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... زیارت و نذر در امامزاده‌های شهرستان خرم‌آباد را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش نوعی تقسیم‌بندی ابتدایی هم از انواع نذرهای امامزاده‌ای نظیر سفره بی‌بی سه‌شنبه، سفره حضرت رقیه (س)، سفره حضرت ابوالفضل (ع)، نذر فرزند یکدانه، نذر پول، نذر لوازم، نذر شمع، نذر قفل و پارچه سبز، نذر آجیل مشک‌گشا، نذر شیرینی، شکلات، نذر فرزند، نذری‌های ماه محرم، نذورات خاص امامزاده و ... ارائه شده است.

مطالعه دیگر در زمینه نذر، مطالعه مستقل «آیین‌های مذهبی زنانه: نگاهی به نذر و گونه‌شناسی آن» (۱۳۹۳) است که یاسمن فرحزاد انجام داده است. وی به طور خاص به مسئله «ارتباط زنان با امر مقدس» پرداخته و نذر را به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعاتی مطرح کرده است که امکان این ارتباط را برای زنان فراهم می‌کند. پژوهشگر در این مطالعه می‌گوید که زنان با نذر، «وجود قدسی را شریک دغدغه‌های زندگی خود از امور جزئی ولی مهم تا امور کلان در دغدغه‌های زنانه مثل باروری، شفا، سلامتی و ... کرده و برای یاری خواستن در مشکلات به کمک می‌طلبند» (فرحزاد، ۱۳۹۳). پژوهشگر در این مطالعه، نذر را به عنوان یک کنش آیینی معرفی می‌کند و می‌گوید: «مناسک نذر، مستلزم نوعی مراوده با امر قدسی در جهت ساماندهی و حل مسائل زندگی زنان یا افراد مرتبط با آنها (خانواده، دوستان و ...) است» (همان).

یک مطالعه دیگر نیز در همین رابطه «نذر، پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی در بستر مناسک» (۱۳۹۳) است که خانم نسیم کاهیرده انجام داده است. در این مطالعه گفته شده «نذر بخش مهمی از مناسک و کنش‌های دینی است که مستلزم نوعی مراوده با امر قدسی در جهت ساماندهی و برآورده شدن حاجات انسان مؤمن است» (کاهیرده، ۱۳۹۳). پژوهشگر در این مطالعه، نذر را نوعی مناسک می‌داند که به اعتقاد وی «در واقع نوعی ارتباط، نیایش و نجوا با خداوند یا هر امر قدسی و ماورائی در جهت ساماندهی و حل مسائل زندگی است». (همان).

یکی از این پژوهش‌ها، «کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی (بررسی موردی روستاهای شهرستان فومن استان گیلان)» (۱۳۹۰) است که با استفاده از روش کیفی و نظریه بنیانی و توسط حمید پارسانیا و مهرداد توکلی‌راد (۱۳۹۰) انجام شده است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، تأکید شده است که نذر یکی از راهبردهای حمایتی تأمین اجتماعی اسلام و منبع تأمین حمایتی سنتی محسوب می‌شود که می‌تواند هم‌جهت و هم‌راستا با نظام فعلی تأمین اجتماعی تلقی شود.

مهری بهار (۱۳۸۳) در مقاله «نذر و هویت اجتماعی زنان» که مقاله‌ای مروری است، به موضوعات انواع نذر، رابطه بین نذر و جنسیت، رابطه بین نذر و طبقه اجتماعی، ایزه‌های نذرشده، زمان و مکان نذر، نوع مراسم عزاداری و نذر و رابطه بین نذر و هویت‌یابی زنان پرداخته است.

سابقه نذر در جوامع ابتدایی و بین اقوام ابتدایی

مطالعات گسترده مردم‌شناسی در زندگی بشر از آغاز تا امروز نشان می‌دهد که بشر برای اتصال خود با جهان از راه‌های عقلایی و غیرعقلایی فراوانی بهره برده است. روش‌هایی که ممکن است گاه با بهره‌گیری از نمادها همراه بوده باشد و گاه با ابداع راه‌هایی همراه شده که بشر گمان می‌کرده این راه‌ها می‌توانند به او کمک کنند که فضای اطراف خود را کنترل کند. هرگاه ناتوانی بشر در کنترل سختی‌ها، ابهام‌ها و ناتوانی‌های او در قبال جهان پیرامون فزونی یافته، بشر هم از روش‌های متنوع‌تری برای کاستن از این سختی‌ها و رنج‌ها استفاده کرده و تلاش کرده تا راهی ولو نمادین برای رهایی از ناتوانی خود در قبال مسائل پیرامون بیابد (بواس، ۱۳۹۱؛ الیاده، ۱۳۹۲؛ کاتک، ۱۳۸۶).

احساس ناتوانی و استیصال در مقابل رویدادهای غیرقابل کنترل محاط بر زندگی، همواره یک همراه همیشگی بشر بوده است. شاید بتوان ادعا کرد که انسان نمادساز، همراه با ابزارسازی تلاش کرده است تا این غیرقابل کنترل بودن زندگی خود را کمی تحمل‌پذیرتر سازد و با ابزارهای متعدد نمادین و ذهنی بتواند راه‌هایی برای کاهش این ناتوانی بیابد. بشر همواره از نمادها برای برقراری ارتباط بین خود و پیرامون استفاده کرده است و معمولاً با درآمیختن نمادها با آیین‌هایی که گمان می‌کرده می‌توانند او را از مشقت و اضطراب برهانند، تلاش کرده است تا از استیصال و اضطراب ناشی از غیرقابل کنترل بودن فضای زیست او رهایی یابد. استفاده از

نهادهای و آئین‌ها برای کاهش این رنج و استیصال، یا ایجاد امید برای غلبه بر آن بخشی از این فرایند بوده است.

نذر و قربانی برای از خود راندن آثار ناخوشایند رویدادها، ایجاد زیارتگاه‌هایی برای طلب از خدایان برای کاهش رنج بر زندگی بشر و ... از کهن‌ترین رفتارهای جوامع و فرهنگ‌های بشری برای غلبه بر ناتوانی بشر در مقابل طبیعت بوده است. برخی از پژوهشگران نقاشی‌های انسان‌های اولیه بر دیواره غارهایی را که در آنها زندگی می‌کردند، نشانه این می‌دانند که انسان ابتدایی با به تصویر کشیدن جانوران مورد علاقه و توجه‌شان بر دیواره محل سکونت‌شان، به واقع تلاش می‌کردند تا امکان موفقیت خود را در شکار افزون سازند و کائنات و نیروهای ماوراءالطبیعه را به برآوردن خواسته و نیازهای دنیایی‌شان برانگیزند و فرصت‌ها و امکانات آنها را در زندگی روزمره‌شان افزون سازند (بواس، ۱۳۹۱؛ فریزر، ۱۳۹۴؛ الیاده، ۱۳۹۲ و الیاده، ۱۳۹۵). این نمادها، شاید نخستین و ابتدایی‌ترین صورت ارتباط با نیروهای ماوراءالطبیعه برای تأمین خواسته‌های دنیایی خود، برای انسان ابتدایی و اولیه باشد.

تفکیک نذر و قربانی در زندگی اجتماعی و مذهبی انسان‌های اولیه و ابتدایی چندان آسان نیست. همچنان که امروزه هم در بسیاری از جوامع، نذر و قربانی درهم‌آمیخته‌اند و مواقعی که نذر به صورت منسک اجرا می‌شود، عموماً صورت قربانی پیدا می‌کند. نذرکننده‌ای که برای انجام خواسته خود گوسفند قربانی می‌کند، یا نذرکننده‌ای که برای برآوردن نذرش، از بخشی از راحتی و سلامت بدن خود صرف‌نظر می‌کند و با وارد کردن مشقت و سختی بر بدنش، بدن را مهبیای پذیرش برکت خداوند و دریافت لطف و رحمت خداوند قرار می‌دهد یا تلاش می‌کند شر را از خود دور کند، به واقع با منسک قربانی، نذر خود را ادا می‌کند. این درهم‌آمیختگی نذر و قربانی در جوامع ابتدایی افزون‌تر و مرزهای این دو درهم‌آمیخته‌تر بود و به تدریج پیچیده‌تر شدن زندگی، این دو آئین درهم‌آمیخته را هم به آئین‌های مجزایی تبدیل کرده است.

زندگی انسان ابتدایی با نماد و اسطوره در هم آمیخته و با اسطوره معنا پیدا می‌کند. آئین‌های قربانی، نذر و پیشکش به پیشگاه خدایان در بین اقوام ابتدایی با نمادپردازی کیهانی صورت می‌پذیرفت. برخی از این نمادپردازی هم امروزه در میان بسیاری از جوامع اولیه وجود دارد. میرچا الیاده، دین‌شناس و اسطوره‌شناس شهیر رومانیایی در کتاب تصاویر و نمادها، با اشاره به رسوم قربانی بین مردمان قطب شمال می‌گوید آنها رسوم پیشکش و قربانی را بر اساس نماد و اسطوره «محور کیهانی» انجام می‌دهند. به اعتقاد او رسم پیشکش در بین آنها به این صورت

است که پیشکش را به گونه‌ای قرار می‌دهند که در راستای محور کیهانی قرار گیرد تا بتواند به آسمان بالا رود. تیرک مرکزی کلبه این گروه‌ها شبیه محور کیهانی است و پیشکش‌ها و نذرهای خود برای خدایان را در پای این تیرک‌ها قرار می‌دهند و معتقدند فقط در کنار و امتداد این محور است که پیشکش‌ها می‌تواند به آسمان بالا بروند (الیاده، ۱۳۹۵: ۵۱).

الیاده همچنین در یافته‌های خود بیان می‌کند که در جوامع ابتدایی، نذرها به صورت نذرهای پیشکشی به درگاه خدایان انجام می‌شدند. وی در کتاب تاریخ اندیشه‌های دینی مطرح می‌کند که در بقایای عصر سنگی، آثاری یافت شده که نشان می‌دهند شکارچیان عصر میانه‌سنگی مکان‌ها را به مناطقی مقدس تبدیل کرده‌اند. یکی از این مکان‌های مقدس دریاچه استلمور است که تیرهای چوبی و ابزارهای استخوانی در این محل یافت شده‌اند که به احتمال قوی نشان‌دهنده اهدای قربانی هستند (همان، ۶۰). بنا به گفته او در کشفیات چشمه سن سوو (جنگل کومپینی) چخماق‌هایی از دوره نوسنگی یافت شده‌اند که به اعتقاد وی شکستگی عمده آنها نشان‌دهنده قربانی نذر است (همان، ۶۰). در دوران نوسنگی نیز مجسمه‌هایی یافت شده‌اند که بر اساس نظر الیاده (همان، ۱۷۱) ممکن است بازنمود نذرهای پیشکشی^۱ هم باشند. در رابطه با ارتباط مکان‌های مقدس با انجام نذر، نلسون هم معتقد است ایزدبانوی طبیعت با انداختن مجسمه‌های کوچک نذری به درون آتش‌هایی که پیوسته روشن نگاه داشته می‌شدند، مورد پرستش قرار می‌گرفت (همان، ۱۷۱-۱۷۲). همچنین برای باروری و پیروزی، قربانی و پیشکش می‌آوردند که به آنها پیشکش‌های نذری می‌گفتند.

در عین حال باید دقت داشت که گرچه ممکن است گاهی نذر به صورت آئینی، منسک و حتی قربانی هم اجرا شود، اما با قربانی متفاوت است. نذر یک عمل دینی است و همیشه به صورت مناسک انجام نمی‌شود. اما قربانی معمولاً یک منسک دینی است. ضمن اینکه قربانی متناظر و ناظر بر تعهد، قول و پیمان نیست. قربانی معمولاً با هدف جلب رضایت نیروهای ماوراءالطبیعه و جذب خیر یا برای فروکاستن از خشم خدایان و دفع شر انجام می‌شد. اما نذر بر اساس قسم^۲ یا تعهد انجام می‌شود و یک پیمان مشروط است که انجام قربانی یا از خودگذشتگی جسمی و جانی و مالی را به عنوان یکی از نمادهای انجام نذر، مشروط به تحقق وعده‌ای می‌داند. اما قربانی بی‌وعده تحقق خواسته‌ای هم انجام می‌شود. قربانی بدون چنین شرطی و فقط

1 ex-voto

2 oath

برای تحت فرمان آوردن نیروهای غیرقابل کنترل یا اظهار عبودیت به ماوراءالطبیعه انجام می‌شود و مشروط به انجام کاری از جانب امر قدسی نیست.

تفاوت بین قربانی و نذر در قالب دو مفهوم متعارف هبه و مبادله هم که به صورت یک دوگانه مفهومی توسط زیگمونت باومن در کتاب جامعه‌شناسی و زندگی روزمره مطرح شده است، قابل تحلیل است (باومن، ۱۳۹۰). هبه یک بخشش بی‌چشمداشت است. بخششی که فرد دهنده انتظار دریافت پاداشی را از طرف هبه‌شونده ندارد. اما مبادله، بر اساس یک تعهد متقابل شکل می‌گیرد. فرد مبادله‌کننده انتظار دارد در قبال کاری که انجام می‌دهد، پاسخی دریافت کند و به دستاوردی برسد. قربانی به واقع نوعی پیشکش یا هبه است و در قاعده متعارف و معمول نذر که مبتنی و بر اساس مبادله انجام می‌شود، صورت نمی‌گیرد.

نذر در ایران باستان

در ایران باستان نیز نذر، ریشه‌هایی قدیمی دارد و از زمان ورود آریاها به فلات ایران و هندوستان، نذر و وقف در مورد معابد و زیارتگاه‌ها وجود داشته است. در «ریگ‌ودا»ی هندوها و «اوستا»، از نذر صحبت به میان آمده است و اهدای نذر به معابد و اماکن زیارتی یکی از رفتارهای دینی زرتشتیان بوده و آن را از جمله وظایف ملی و مذهبی آیین خود می‌دانستند و به آن عمل می‌کردند. نمونه‌های متعددی در کتاب مقدس «اوستا» بیان شده که به موضوع نذر برای اهورامزدا (خدای یکتا) و نیز برای انجام مراسم مذهبی در آتشکده‌ها یا پیشکش به هم‌نوعان پرداخته شده است.

نذر در آیین زرتشت گرچه تفاوت‌هایی با نذر به شیوه مرسوم و معمول فعلی دارد، اما شباهت‌هایی هم بین آنها می‌توان یافت. یک نکته درباره نذر بین ایرانیان باستان این است که نذر در آیین زرتشت بر اساس باور به داد و دهش و دستگیری از نیازمندان انجام می‌شود. در بین زرتشتی‌ها، نذر به صورت‌های مختلفی انجام می‌شود و محدود به موارد خاصی است. بیشتر نذرها در آیین زرتشت، نذرهای آیینی هستند.

بخشش (میزد) که از ویژگی‌های دین مزدیسنی است، یکی از آیین‌هایی است که در غالب نذر قرار می‌گیرد. آیین دیگر داد و دهش که با آن زرتشتیان به هنگام نیایش اهورامزدا و امشاسپندان و ایزدان، آشامیدنی‌ها و خوراکی‌هایی را به عنوان نیاز (نذر) پیشکش می‌کنند. میزد یا «مزد» در پهلوی به نذرهای خوراکی و غیر مایع مانند نان، میوه و گوشت گفته می‌شود که افراد با خود به

آیین‌های نیایش می‌برند و طی مراسم خاص مصرف می‌شود. دزون یا دَرْتُون هم نان مخصوصی است که به ایزد سروش نذر می‌شود. این نان مقدس فقط علامت و اشاره‌ای است به هر نوع میزد. میزد شامل همه نذورات و خیرات غیرمایع مثل نان و میوه و گوشت می‌شود.

ارتباط بین مکان مقدس و نذر یا پیشکشی آئینی در دین زرتشت هم قابل مشاهده است. آتش آذرگشنسب آتشی اساطیری است که حسب روایت‌های سنتی ساخت آن را به کیخسرو نسبت می‌دهند. این آتش در آتشکده‌ای به همین نام در گنزک یا شیز آذربایجان جای داشته و آتش خاندان شاهنشاهی ساسانی بوده است. برخی پژوهشگران معتقدند که بقایای تخت سلیمان در کنار دریاچه، همان آتشکده آذرگشنسب دوره ساسانی است که شاهان معمولاً نذوراتی را به آنجا تقدیم می‌کرده‌اند. گفته می‌شود خسرو پرویز نذر کرده بود اگر بر بهرام چوبین فایق آید، زیورهای زرین و سیمین به آنجا بفرستد و نقل شده که چنین هم کرد (نفیسی، ۱۳۸۸: ۱۲). یکی دیگر از آیین‌های همراه با نذر در آیین زرتشتی جشن نیکوکاری است که چهاردهم اسفندماه هر سال انجام می‌شود. این جشن در گاه‌شماری زرتشتی که هر روز آن نامی برای خود دارند، «وَرَه‌رام» روز نام دارد که روز نیکوکاری نیز نام گرفته است.

یکی از ویژگی‌های اهورایی، بخشندگی و داد و دهش فراوان است و هر فردی با نیکوکاری، داد و دهش که نذرهای آئینی زرتشتیان هستند، خشنودی اهورامزدا و روان آفرینش را فراهم می‌کنند. در آئین زرتشتی دهش و نیکوکاری در فرهنگ زرتشتی کاری از روی نظم و حساب است و دهش‌مند باید باور داشته باشد که عمل او در ساختار آفرینش لازم است و به معنای همراهی با بخشش نیک اهورایی است.

۳-۳- نذر در ادیان سامی

نذر به طور کلی یک آیین مذهبی محسوب می‌شود و همانگونه که بیان شد، حتی در بین اقوام ابتدایی هم نذر به عنوان یک مؤلفه مهم دینی برای برقراری پیوند با خدایان و غلبه بر ماوراءالطبیعه بوده است. اشاره مختصری به نذر در بین ادیان یهود، مسیحیت و اسلام خواهیم کرد.

۳-۳-۱- یهود و مسیحیت

بنا بر پژوهش‌های پژوهشگران عهد عتیق، نذر یکی از مؤلفه‌های اصلی دین عامه بنی‌اسرائیل بوده است. در مسیحیت و یهود نذر به پیمان آزادانه‌ای گفته می‌شود که فرد با خداوند می‌بندد تا

کار خوبی انجام بدهد. این نوع نذر بین قوم بنی‌اسرائیل هم متداول بوده است. اما نذر به طور کلی عبارت است از تعهد فرد برای انجام قربانی، در صورت‌های مختلف جانی، مالی و رفتاری، در صورتی که خداوند کمک کند تا مشکلی حل شود.

واژه عبری نذر^۱، هم به معنی نذر و هم به معنی نذر کردن است. با بستن پیمان نذر، فرد به آن سازمان می‌دهد و بر انجام آن تأکید می‌کند. با توجه به اینکه شواهدی وجود دارد که بنی‌اسرائیل زیاد پیمان می‌بستند اما ضعیف، پیمان نذر را ابداع کردند تا خود را متعهد به عمل به پیمانی کنند که متعهد به انجام آن بودند تا بدین ترتیب کمتر پیمان‌شکنی کنند (دایره‌المعارف مسیحیت، مدخل نذر).

به علاوه، هر یک از بنی‌اسرائیل خود را برای دوره‌ای کوتاه در زندگی‌اش با پیمان نذر وقف خداوند می‌کرد. این افراد، نذر شده خوانده می‌شدند. آنها طی این دوره، مصرف محصولات انگور، تماس با جسد و کوتاه کردن و اصلاح مو را بر خود ممنوع می‌کردند. نذر زنان مجرد بستگی به تأیید پدران‌شان داشت و زنان متأهل به همسران‌شان. اما نذر زنان بیوه یا مطلقه به طور خودکار معتبر بود. بین یهودیان، نذر همراه با یک قسم بود که در صورت شکستن نذر، موجب نزول بلا می‌شد و در صورت برآورده شدن نذر، ستایش خدا انجام می‌شد (Ginsberg, 1945: 161).

البته به نذر به عنوان یک عمل عامیانه دینی مربوط به منطقه شمال غرب ادیان سامی استناد شده و این نوع نذر در فلسطین اشغالی مرسوم بوده است (همان). تونی کاتلج در کتابش با عنوان نذر در انجیل عبری و شرق نزدیک باستان هم بیان می‌کند که وجود نذر (عموماً فردی) به طور عینی در همه جوامع شرق نزدیک باستان نشان می‌دهد نذر کردن در هزاره اول یک عنصر مهم دین عامیانه در جهان شرق نزدیک باستان بوده است (Cartledge, 1992: 27-28).

بر اساس متون قدیمی و آنچه در مسیحیت و یهود ذکر شده، در گذشته نذر عموماً در قالب مناسک قربانی انجام می‌شده است. یکی از قدیمی‌ترین نذرهایی که مستندات مکتوب هم درباره آن وجود دارد و در انجیل عهد عتیق، هم به آن اشاره شده، نذر حنا مادر سموئیل، یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل است. سموئیل یا اُشموئیل (عبری به معنی «مسموع از خدا») از شخصیت‌های یهودی و عهد عتیق در انجیل است که نوشتن کتب سموئیل را به او نسبت داده‌اند. سموئیل در کوه افرایم واقع در شمال شرق اورشلیم متولد شد. مادرش بر طبق نذری که

کرده بود، او را در زمان کودکی به شیلوه نزد عیلی آورد تا در شیلوه خدمت کند. داستان او به طور مختصر در قرآن هم ذکر شده است. او در سال ۱۱۰۵ ق.م. در رامه واقع در شمال بیت‌المقدس زاده شد. مادرش — حَنَّا — او را نذر خانه خدا در شیلوه کرد و هنگامی که فرزند خود را از شیر گرفت، نذر خود را ادا کرد.

بر اساس مطالعات انجام‌شده درباره انواع نذر در بین یهودیان، بسیاری از نذرهای بنی‌اسرائیلی محدود به مکان‌های مذهبی و مقدس می‌شدند. سیمون پارکر بیان می‌کند بسیاری آیه‌ها در انجیل^۱ دلالت دارند که نذر در یک مکان مذهبی انجام می‌شد. برآورده شدن نذر، درکنار تعهد فرد به انجام آن، هم نمود عمومی دارد و هم مشارکت عمومی را بر می‌انگیزد^۲.

در مسیحیت هم نذر یکی از آیین‌های بااهمیت مسیحی است. طبق آنچه که ویکتور ترنر در پژوهش‌های خود به آن دست یافته، در بین مسیحیان، دو نوع نذر وجود دارد. یکی نذر فقر و دیگری نذر فرمانبرداری است. به اعتقاد او، این دو نوع نذر در تقابل با هم هستند (Turner, 1969: 183). بنا به گفته او، در قانون مسیحی غربی سنتی وجود دارد برای زندگی مردانی که مایلند خود را به طور کامل در خدمت خدا قرار دهند و با نظم و انضباط به نماز و کار بپردازند. آنها با مراقبت از خود و تحت کنترل مطلق یک پدر (راهب بزرگ) قرار دادن خود، و نیز انتخاب فقر شخصی، خودداری از ازدواج، و اطاعت از مافوق خود، با انجام نوعی ریاضت خود را نذر خداوند می‌کنند.

به نظر او، در واقع نذر، تمرین خویشتن‌داری و پرهیز است (همان: ۱۱۷). در دین یهود و بین بنی‌اسرائیل، نذر یک کنش دینی در دین عامیانه است که در مقابل دین رسمی تعریف می‌شود (Ginsberg, 1945).

نذر در اسلام

در بین مسلمانان، نذر عمدتاً یک عمل دینی شیعی شناخته می‌شود و بین شیعیان رواج زیادی دارد، اما نذر قبل از اسلام نیز در جزیره‌العرب و بین قبایل عرب رواج داشته است. یکی از موارد قبل از اسلام درباره نذر، نذرهایی است که درباره اجداد پیامبر ذکر شده که یکی از آنها

1 Deut. 12.5-6, 17-18 & 26

۲ این موضوع البته درباره اسلام هم صادق است و در اسلام و به ویژه شیعه هم بسیاری از نذرها در مکان مقدس یا در ارتباط با یک مکان مقدس انجام می‌شود.

نذر حضرت اسماعیل (ع) و دیگری نذر عبدالله پدر پیامبر است. داستان نذر عبدالله، پدر پیامبر را بسیاری از مورخان شیعه و سنی نقل کرده‌اند.

آنچه در احادیث درباره نذر عبدالله پدر پیامبر نقل شده، این است که در جریان دفن هدایا و اموال کعبه، عبدالمطلب در کنار کعبه، خواب حفر چاه زمزم را دید. او پس از درگیری با قریش و رفع موانع، چاه را حفر کرد و هدایا را از میان چاه بیرون آورد و از آن برای ساختن درهای کعبه و تزئینات آن استفاده کرد. اما گفته می‌شود که حفر زمزم، مخالفت قریش و اعتراض آنان را به دنبال داشت و در پی آن، عبدالمطلب با خود نذر کرد که اگر خداوند، ده پسر به او عطا فرماید، یکی از آنها را در راه خدا، در کنار کعبه قربانی کند. او در این زمان یک پسر بیشتر نداشت و حاجت او برآورده شد و با گذشت چند سال، او دارای ده پسر شد و با تولد آخرین آنها که پدر پیامبر بود، به یاد نذر خود افتاد. او پسران خود را جمع کرد و داستان نذر خود را برای آنان گفت. فرزندان به او گفتند: «ما همه در اختیار شما هستیم». عبدالمطلب بعد از مشاهده این آمادگی، آنان را کنار کعبه برد و برای انتخاب، قرعه زد که به نام عبدالله درآمد. با وجود مخالفت بزرگان قریش، عبدالمطلب گفت «من نذری کرده‌ام که باید به آن وفا کنم». بعد از گفتگوی زیاد، قرار شد از شتران زیادی که عبدالمطلب داشت، بیاورند و بین آنها و نام عبدالله قرعه بزنند که بالاخره عبدالمطلب به فدیة کردن صد شتر، به جای فرزندش رضایت داد و با ذبح شتران، آنها را بین مردم مکه تقسیم کردند.

امروزه نذر بین شیعه جایگاه خاصی دارد. آنها برای برآورده شدن حاجاتشان نذر می‌کنند. در مواردی نذرهای شیعیان به صورت آئینی اجرا می‌شود. بعضی از نذرها به شکل قربانی انجام می‌شوند و برخی هم به صورت منسک (زیارت و ...) انجام می‌شوند که می‌توان آنها را در رده رسوم آئینی طبقه‌بندی کرد. نذرها در موارد معدودی هم انفرادی و شخصی و خارج از چارچوب منسک، قربانی یا رسوم آئینی انجام می‌شوند. نمونه این نذرهای آئینی در ماه محرم و روزهای عاشورا و تاسوعا فراوانی بیشتری دارند و بیشتر نذرهای اطعام و پختن غذا هستند.

روش پژوهش

این پژوهش، پژوهشی توصیفی است و با روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. هدف، توصیف برداشت مردم درباره نذر کردن و فهم تجربه زیسته افراد مورد مطالعه درباره نذر است. درک معنای نذر از نظر افراد مورد مطالعه و ماهیت تجربه زیسته آنها

درباره نذر موضوعی است که این پژوهش برای یافتن پاسخ آن و ارائه توصیف غنی و پرمایه از آن طراحی شده است، با این مضمون که «طرح‌های تحقیقاتی پدیدارشناسانه، در خدمت سؤالاتی قرار می‌گیرند که به دنبال درک عمیق از معنا و ماهیت تجربه زیسته مردم در زندگی روزمره باشند» (ایمان ب، ۱۳۹۱: ۲۰۷). پدیدارشناس، به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از اشخاصی است که پدیده‌ای را تجربه کرده‌اند تا بتواند بر اساس آن اطلاعات، به توصیف ماهیت آن تجربه از دیدگاه افراد برسد» (ایمان الف، ۱۳۹۱: ۸). فهم و توصیف معانی ذهنی در پژوهش پدیدارشناسی آنقدر بااهمیت است و با آن پیوند دارد که برخی ادعا می‌کنند که پدیدارشناسی معاصر به شدت برای جمع‌آوری معانی ذهنی مردم فعالیت می‌کند (کروتی، ۱۹۹۶: ۳ به نقل از ایمان، ۱۳۹۱: ۹). در تحلیل داده‌های گردآوری شده نیز از روش تحلیل تماتیک استفاده شد.

نمونه‌گیری

در پدیدارشناسی، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز باید به افرادی مراجعه شود که هم پدیدار را تجربه کرده باشند و هم بتوانند و قادر باشند توصیفی غنی از آنچه تجربه کرده‌اند ارائه دهند. شرط اصلی در مطالعات کیفی اشباع اطلاعات است و دریافت بسندگی داده‌ها. یعنی وقتی می‌توانیم پژوهش را متوقف کنیم که به بسندگی داده‌ها برسیم و اشباع اطلاعاتی رخ دهد. اگرچه در مطالعه کیفی مسئله تعمیم داده‌ها وجود ندارد و آنچه اهمیت دارد این است که توصیف پدیدارشناسانه‌ای از جامعه مورد مطالعه ارائه شده است، اما بسته به موضوع، این حساسیت باید مورد توجه قرار بگیرد. اگر افراد مورد مطالعه کاملاً یکنواخت انتخاب شوند، ممکن است پژوهشگر در مصاحبه دوم یا سوم به اشباع اطلاعات برسد و وجوه دیگر واقعیت مورد بررسی از نظر دور بمانند و روایی و پایایی پژوهش کیفی مخدوش شوند (جمادی، ۱۳۹۲).

در روش‌های کیفی، نمونه‌گیری با روش‌های معمول پژوهش‌های کیفی انجام نمی‌شوند. در روش کمی نمونه‌گیری باید طوری انجام شود که قابلیت تعمیم پژوهش را داشته باشد و نمونه باید تصادفی باشد. اما در پژوهش کیفی، مسئله تعمیم داده‌ها وجود ندارد. بلکه عمق و غنای مطالعه و مطالعه همه‌جانبه موضوع از اهمیت برخوردار است. بنابراین نمونه‌ای هدفمند باید انتخاب شود که بتواند زمینه دستیابی و کسب این معرفت توصیفی، جامع و عمیق را از موضوع مورد مطالعه فراهم کند (بلیکی، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۸۴). انتخاب افراد بر اساس دانش خاص آنها در مورد پدیدار مورد مطالعه بر حسب دسترسی به آن و میزان اطلاعات و

دانشی که می‌تواند انتقال دهد، اهمیت پیدا می‌کند (ایمان ب، ۱۳۹۱: ۲۰۸). انتخاب نمونه نامناسب ممکن است بسندگی اطلاعات را در نقطه‌ای غیرمعتبر به پژوهش تحمیل کند. برای انجام نمونه‌گیری در این پژوهش، از استراتژی نمونه‌گیری گلوله برفی شبکه‌ای یا حلقوی استفاده شد. بر اساس این روش افراد مورد مطالعه بنا به دسترس بودن و آمادگی آنها برای ورود به تحقیق انتخاب شدند، و بعد آنها افراد مورد مطالعه دیگری را برای مشارکت در تحقیق معرفی کردند.

حجم نمونه و روش محاسبه

فرایند جمع‌آوری اطلاعات و انتخاب نمونه‌ها در تعامل با هم به صورت رفت و برگشتی و دایره‌ای است و تا مرحله‌ای ادامه پیدا می‌کند که اطلاعات به اشباع برسند (بلیکی، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲). بنابراین حجم نمونه از قبل انتخاب نمی‌شود. علاوه بر دارا بودن تجربه زیسته در موضوع مورد مطالعه، یعنی نذر، دو مقوله زمان و مکان هم در انتخاب نمونه مورد مطالعه توجه قرار گرفت. بر اساس این سه معیار، زائر بودن زنان در یکی از زیارتگاه‌های مذهبی در شهر تهران به عنوان عاملی مهم در انتخاب نمونه آماری مورد توجه قرار گرفت. با انجام بررسی‌های مختلف و بررسی اولیه، زائران زن امامزاده صالح به عنوان گروه مورد مطالعه انتخاب شدند. در دسترس بودن افراد و تنوع فرهنگی، تحصیلی، سنی و اعتقادی افراد زائر امامزاده صالح از جمله معیارهایی بود که ما را به سمت این انتخاب هدایت کرد.

مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها

برای انجام این پژوهش با ۱۸ نفر مصاحبه عمیق انجام شد و گفتگوها تا اشباع اطلاعات ادامه یافتند. مصاحبه‌ها در قالب گفتگو و با طرح چند سؤال کلی برای مشارکت‌کننده‌ها انجام شد که گفتگو درباره تجربه زیسته مشارکت‌کننده‌ها درباره نذر موضوع اصلی گفتگو و سؤالات بود که مشخصات آنها در زیر می‌آید.

م، ۱۸ ساله، دیپلم انسانی؛ ل، ۲۶ ساله، لیسانس صنایع؛ ن، ۳۲ ساله، کارشناس ارشد الکترونیک؛ الف، ۴۰ ساله، دکترای هنر؛ ر، ۲۸ ساله، دیپلم تجربی؛ پ، ۳۷ ساله، فوق لیسانس جامعه‌شناسی؛ ح، ۳۱ ساله، لیسانس جامعه‌شناسی؛ ف، ۳۸ ساله، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی؛ الف، ۳۹ ساله، دکترای جامعه‌شناسی؛ س، ۴۱ ساله، فوق لیسانس جامعه‌شناسی؛

ش، ۴۷ ساله، فوق لیسانس مدیریت؛ م، ۵۶ ساله، فوق لیسانس ادبیات، ز، ۲۶ ساله، مهندس کشاورزی، ع، ۵۰ ساله، دیپلم تجربی؛ ف، ۲۷ ساله، فوق لیسانس جامعه‌شناسی؛ م، ۳۷ ساله، لیسانس حقوق. م، ۳۲ ساله، فوق لیسانس پژوهشگری. الف، ۴۴ ساله، لیسانس زیست‌شناسی. معیارهای اصلی که در انتخاب نمونه‌ها رعایت شد، سابقه اقامت در تهران در ۵ سال گذشته، حضور در امازاده صالح و داشتن تجربه نذر بود. شغل، سن، تحصیلات و مذهب و ... به عنوان معیارهای انتخاب مورد توجه قرار نگرفتند.

تحلیل و بحث

این مطالعه، نخستین کار گسترده پژوهشی با نگاه پدیدارشناسانه به نذر به شمار می‌رود. هدف اصلی این تحقیق «کشف تجربه زیسته زنان شهر تهران درباره پدیده نذر کردن» و فهم این نکته است که در یک آیین مناسکی مثل نذر ارتباط بین مناسک گذار و موجود برتر چگونه برساخته می‌شود.

برای انجام این مطالعه، گروهی از زنان ساکن تهران، مورد مطالعه قرار گرفتند و بر اساس تجربه‌های آنها از پدیده نذر کردن تلاش شد تا توصیفی غنی از مفهوم نذر ارائه شود و چگونگی انتقال معنای ذهنی نذر به دنیای عینی اجتماعی در زندگی روزمره کنشگران مورد مطالعه بر اساس تجربه زیسته آنها کشف شود.

نذر یک عمل دینی است که ممکن است جزو یکی از شعایر دینی قرار گیرد یا به صورت مناسک انجام شود. در نذر فرد با امر قدسی پیمان می‌بندد در صورت تأمین خواسته و نیازی که دارد و امر قدسی آن را برآورده خواهد کرد، عملی انجام دهد، مالی ببخشد یا قربانی کند. تقریباً در همه ادیان می‌توان نذر را مشاهده کرد. نذر در چارچوب فقه شیعه «آن است که انسان ملتزم شود کار خیری را برای خدا بجا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است، برای خدا ترک نماید».

نذر یک کنش آیینی هم شمرده می‌شود که با نظامی نمادین پیوند می‌خورد. نذر، به معنای یک کنش آیینی، مستلزم نوعی مراوده با امر قدسی برای ساماندهی و حل مسائل زندگی فرد یا افراد مرتبط با او (خانواده، دوستان و...) است.

بنا به تعریف منسک، نذر منسک نیست. اما به دو دلیل در تعاریف نظری مورد توجه قرار گرفته است: یکی اینکه برخی از نذرها در قالب منسک انجام می‌شود و دوم اینکه به علت آمیختگی نذر، آیین، قربانی و مناسک، ممکن است این ابهام را ایجاد کند که نذر یک منسک

دینی است. در حالی که نیست. اما بعضی از نذرها ممکن است به صورت مناسکی اجرا شوند که در توصیف ما در این پژوهش از تجربه زیسته نذرکننده‌ها درباره نذر، به عنوان یک توصیف غنی و پرمایه مورد توجه قرار نگرفت.

ویکتور ترنر مناسک را این طور تعریف کرده است: رفتار رسمی و تجویزی برای موقعیت‌هایی که به روال فنی معمول محول نشده‌اند، و ارجاع دادن این رفتارها به باورها و موجودات رازآمیز (یا غیرتجربی) یا نیروهایی که علت‌العلل تمام معلول‌ها محسوب می‌شوند (بوی، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

همچنین گفته می‌شود مناسک در عمومی‌ترین و اساسی‌ترین حالت، شامل نمایشی طراحی شده یا فی‌البداهه است که انتقالی از زندگی روزمره به زمینه‌ای دیگرگونه را عملی می‌کند. زمینه‌ای که زندگی روزمره در آن تغییر شکل یافته است. مناسک سنتی دینی، زندگی معمولی را به سوی واقعیتی غایبی یا نیروها یا موجودات ماورایی می‌کشایند تا از نیروی تغییردهنده آنها بهره ببرند (الکساندر، ۱۹۹۷: ۱۳۹ به نقل از بوی، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

در تحلیل یافته‌های این پژوهش که با استفاده از تحلیل تماتیک انجام شد، «امنیت ذهنی» یکی از برساخته‌هایی است که در تجربه نذر و بر اساس تجربه زیسته زنان، و بر اساس تحلیل تماتیک یافته‌های پژوهشی مورد توجه قرار گرفت.

بر اساس یافته‌های تحلیلی اجتماعی و مردم‌شناختی، انسان همواره با هراسی دائمی زیسته است. هراس و بیم، از ناشناخته‌های همراه همیشگی بشر است و انسان همواره برای کاهش اضطراب خود به دست‌آویزهای مختلف و متعددی درآویخته است. در بسیاری از موارد هراس و ترس از اتفاقات نااندیشیده و ناخوشایند، بشر را به برقراری ارتباط با ماوراءالطبیعه و برساخت رابطه‌های ذهنی، به نحوی که بتواند کائنات و ماوراءالطبیعه را تحت کنترل خود قرار دهد، برانگیخته یا او را واداشته که برای کاهش اضطراب و احساس ناامنی خود به نیروهای برتر و مافوق قدرت او پناه ببرد (الیاده، ۱۳۹۵؛ بوی، ۱۳۹۲؛ فریزر، ۱۳۹۴؛ Turner 1976).

ترس و احساس ناامنی در زندگی، بشر را همیشه به پناه آوردن و اتکا به دست‌آویزهایی واداشته که بتوانند اضطراب او را کاهش دهند، از استرس او بکاهند و احساس امنیت و اعتماد در او ایجاد کنند. این احساس ناامنی و دست‌آویز قرار دادن موجودات ماوراءالطبیعه برای کاهش اضطراب و ناامنی بشر، در تحلیل‌های دانشمندان علوم اجتماعی در دو سده اخیر آنقدر قدرت یافته که برخی حتی منشأ شکل‌گیری و پیدایش دین را ترس، نگرانی و اضطراب می‌دانند

(کوزر، ۱۳۷۳؛ آرون، ۱۳۷۷؛ دورکیم، ۱۳۹۳؛ همیلتون، ۱۳۸۱). دورکیم معتقد است احساس ترس و نگرانی است که در ذهن انسان ابتدایی پدید می‌آید و او را به اندیشیدن درباره دین و می‌دارد و نگرانی و اضطراب، نقطه آغاز همه شکل‌های تکامل دینی در تاریخ است (دورکیم، ۱۳۹۳: ۶۳).

در چنین فضای خاکستری، نذر گریزگاهی است برای فرد، تا بتواند خود را از فشار روانی که دوراهی‌های اجتماعی به او تحمیل می‌کند، برهاند و راهی برای خروج از بن‌بست بیابد. کسانی که نذر می‌کنند با انجام نذر می‌خواهند خود را از بار استرس و فشار روانی ناشی از زیست روزمره برهانند. نذر دستاویزی است برای رهاندن فرد از هراس امر روزمره، برای قابل تحمل کردن فضای خاکستری که فرد قادر به تغییر در آن نیست و حضور در آن بر اضطراب و استرس انتظار در او می‌افزاید.

دین به انسان کمک می‌کند تا بتواند این هراس را فروکاهد و به واسطه آئین‌های دینی احساس امنیتی را برای خود و ساحت زیستی خود بیافریند. گفته می‌شود مناسک و عبادت برای جلب رضامندی و حاجت‌مندی انجام می‌شود، برای تسخیر امر رازآمیز و برای نشان دادن خشم مقام الوهی. به همین علت است که «در ادیان ابتدایی، دین چندان از جادو متمایز نیست و شعائر دینی در وهله اول برای فراهم ساختن نیازهای جسمانی به کار می‌روند. در آن ادیان، آنچه که هست ترس است نه خشوع و خشیت. در فضای این ادیان، مفاهیمی مثل امر قدسی اصطلاحات نامناسبی هستند. پیروان ادیان ابتدایی سعی می‌کنند با نیروهایی که از آنها می‌ترسند تماس بگیرند» (فعالی، ۱۳۷۹: ۳۶۶).

الریش بک، جامعه‌شناس آلمانی، ایده قابل تأملی درباره بیم و جامعه پرمخاطره (یا مخاطره‌آمیز) مطرح کرده است. او معتقد است انسان معاصر در جهانی آکنده از مخاطرات زیست می‌کند. او گرچه این نکته را می‌پذیرد که انسان همواره در موقعیت پرمخاطره زیست کرده، اما معتقد است مخاطره‌های دوران معاصر با دوران پیش از مدرن تفاوت‌های بسیاری دارد. بر اساس نظر او، در گذشته طبیعت و موجودات ماوراءالطبیعی بودند که در افراد بیم و هراس ایجاد می‌کردند. وجه شاخص این مخاطرات این بود که طبیعی بودند و نیروهای بیرونی این مخاطرات را به انسان تحمیل می‌کردند و خارج از کنترل انسان بودند. اما امروزه، در دنیای مدرن، انسان با مخاطراتی قابل کنترل روبروست که بشر هم می‌تواند آنها را مهار کند و هم اینکه

مسئولیت مهار و تغییر این مخاطرات، اجتناب از آنها، یا کاهش تأثیر این مخاطرات به عهده خود او قرار دارد.

مدرنیته از هراس انسان از نیروهای مافوق طبیعی و طبیعی، و نیز هراس او از نیروهایی که کنترل آنها خارج از اراده بشر پنداشته می‌شود، نکاسته و حتی در مواردی آن را افزون ساخته است. انسان همچنان، حتی در رویارویی با رویدادهای غیرقابل کنترل طبیعی - که گاهی تلقی این است که مدرنیته حکم به قابل کنترل بودن این رویدادها داده است- درآویختن به نیروهای ماوراءالطبیعی را دست‌آویزی برای کاهش اضطراب و ناامنی خود می‌داند.

به نظر می‌رسد که در جهان مدرن مسئولیت انسان افزایش یافته و انسان هم به مسئولیت خود واقف است، اما با درآویختن به نیروهای ماوراءالطبیعی تلاش می‌کند انرژی مضاعفی برای جبران کم‌توانی خود در مقابله با مشکلات لاینحل زندگی‌اش بیابد. بر اساس نظر نذرکننده‌ها، نذر یکی از راه‌هایی است که می‌تواند در موقعیت‌های بحرانی شرایط آرامش‌بخش و تسکین‌دهنده‌ای را برای فرد فراهم کند. نذرکننده‌ها می‌گویند:

«نذر می‌کنم چون بیشتر به حس آرامش می‌ده. به تلقی مثبت. ارتباط و احساس آرامش هست. یک گوشه ذهنم آرام می‌شه. انگار تو راهی که دارم می‌رم به ریسمانو محکم گرفته‌ام.» «انگار که این ارتباط قطع شده و تو اونقدر درگیر و گرفتار زندگی شده‌ای و یا این قدر خودتو باخته‌ای که یادت می‌ره موجوداتی هستن که اونا می‌تونن بهت کمک کنن و بهت انرژی بدن. بهت نیرو بدن. بهشون توکل کنی و ازشون کمک بگیری در این فضا که درمانده شده‌ای. یعنی وقتی کسی می‌ره نذر می‌کنه از نظر ماهیتش، نظر من اینطوره که می‌ره به سمت یه موجود ماورایی بهش توجه می‌کنه. ازش درخواست می‌کنه و بعد حتی اگر از اون چیزی هم طلب بکنه، مهم نفس اون ارتباط هست که اتفاق می‌افته بین من و بین اونا. این [ارتباطه] که منو از یه فضای منفی به یه فضای مثبت می‌بره. منو از فضای خاکستری خارج می‌کنه و یه دریچه امید به من می‌ده.» «نذر استرس منو کاهش می‌ده و آرامش خاصی به من می‌ده.»

آنتونی گیدنز نیز بحث‌های مفصلی درباره بیم که افراد در جامعه مدرن با آن روبرو هستند، ارائه کرده است. گیدنز هم معتقد است اتوپیای مدرنیته نتوانسته است بشر را از دام مخاطرات برهاند یا او را در فضایی امن و قابل اطمینان، بدون هراس از بی‌ثباتی، عدم قطعیت و ناامنی قرار دهد.

به اعتقاد گیدنز، ما در جهانی زیست می‌کنیم، سراسر پیش‌بینی‌نشده و با احتمال‌ها و گزینه‌های گوناگونی احاطه شده‌ایم که بر ریسک‌پذیری و مخاطره‌آمیزی زندگی ما می‌افزاید و روز به روز از تسلط ما بر زندگی خودمان می‌کاهند. البته در چنین فضای پرمخاطره‌ای و در برابر راه‌های متعددی که انتخاب از میان آنها بر اضطراب و آشفتگی انسان معاصر می‌افزاید، یکی از راهبردهای انسان هوشمند این است که بتواند مسیرهای متفاوت کنش را سبک سنگین کند و بهترین گزینه را انتخاب کند تا راهی برای کاهش ریسک فضایی بیابد که در آن زیست می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۸؛ حاجی حیدری، ۱۳۸۸). نذر برای برخی چنین گریزگاهی است. بر اساس برداشت ذهنی نذرکننده‌ها، نذر یک راهبرد برای کاهش ریسک فضای پرمخاطره‌ای است که در آن زیست می‌کنیم. البته گیدنز هم مانند الریش بک معتقد است در مدرنیته معاصر، انسان برای رهایی از ناامنی و عدم قطعیتی که مدرنیته به او تحمیل می‌کند، قادر به آرام یافتن و کاهش اضطراب و ناامنی خود با کمک نیروهای ماوراءالطبیعی نیست و این نیروها نمی‌توانند اضطراب و ناامنی او را تسکین دهند. اما نذر برای نذرکننده‌ها چنین کارکردی دارد. نذر ابزاری است که با توسل به نیروهای ماوراءالطبیعه به افراد قدرت رویارویی پرآرامش با اضطرابی را اعطا می‌کند که در فضای مدرن گریبان آنها را گرفته است.

از طریق برساخت اعتماد است که دفع وحشت برای فرد بیمناک ممکن می‌شود و به او کمک می‌کند تا با خطرها و ترس‌هایی که او را احاطه کرده مقابله کند و از فشار اضطراب بر ساحت زیستی او بکاهد. نذر برای مشارکت‌کننده‌ها دستاویزی است که امکان برساخت این اعتماد را فراهم می‌کند:

«وقتی نذر می‌کنم امید دارم که نذرم برآورده بشه. بیشتر یک حس درونیه که موجب می‌شه فکر کنم نذرم برآورده می‌شه. بیشتر یک حس درونیه. یه جور اعتمادیه به اون نیروی برتر. تو حس می‌کنی اولاً خواسته‌ات معقوله و عجیب و غریب و دور از دسترس بشری نیست. فقط به دلایل خاصی در اون شرایط دسترسی نداری و تو هم شایستگی شو داری. هیچ دلیلی برای بدبینی و بی‌اعتمادی وجود نداره».

در عین حال این برساخت اعتماد به علت ماهیت وجودگرایانه و هستی‌شناختی آن، به راحتی از دست نمی‌رود و درون فرد چنان ساختار می‌یابد که به یک بعد از وجود او بدل می‌شود: «من اعتمادمو از دست نمی‌دم. الان فکر می‌کنم که حتماً حکمتی در کار بوده و کسی که بالا نشسته بد بنده‌اش رو نمی‌خواد و یه موضوع رو به بقیه موضوعات

تسری نمی‌دم. در واقع برای اون موضوع، اتفاق نیفتاده. اما ممکنه برای بقیه موضوعات رخ بدهد. اعتقاد و اعتماد به نذر رو از دست نمی‌دم. چون معتقدم برآورده نشدن نذر به دلیل حکمتیه که در اون بوده است. من چون آینده را نمی‌بینم به حکمت نیرویی که مانع از انجام نذر من شده نمی‌توانم پی ببرم. من بارها پیش آمده که نذری کرده‌ام و نذر من برآورده نشده و بعد متوجه شده‌ام که اصلاً نباید برآورده می‌شده است. اتفاقاً خوب شد که برآورده نشد».

مشارکت‌کننده‌ها در وضعیت‌های اضطرابی و شرایطی که مدیریت آن بدون توسل به نیروهایی خارج از روند عقلایی برای فرد ممکن نیست، نذر را دست‌آویزی برای متعادل‌تر کردن شرایط پراضطراب زندگی خود می‌دانند. در برساخت ذهنی نذرکننده‌ها، نذرها در بن‌بست‌های زندگی راهی برای گریز از بن‌بست‌هایی است که نمی‌توانند کاری برای رفع آنها انجام دهند و در وضعیت‌هایی که امکان انتخاب به راحتی برای فرد مهیا نیست و استرس انتخاب وجود دارد، نذر این آشفتگی و تحمل دوراهی را آسان می‌کند:

«وقتی نذر می‌کنم که احساس می‌کنم به بن‌بست خوردم و به نوعی احساس می‌کنم این بن‌بست که بهش برخورد کردم دست خودم نیست و بسته به شانس و تصادف و لطف الهی و ایناست. برای اینطور چیزا نذر می‌کنم».

نذر راهی برای گریز از دلواپسی‌های اگزستانسیال هم هست. هراس از مرگ و حیات. برخی به دنبال راهی هستند برای کنارآمدن با دلواپسی‌هایی که دلواپسی‌های وجودی هستند. نذر یکی از این راه‌هاست. بیشتر الگوهای موجود در ناهنجاری‌های روانی، بر این فرض بنیان نهاده شده که ناهنجاری روانی، حاصل به‌کارگیری شیوه‌ای ناکارآمد و ناموزون در مقابله با اضطراب است.

الگوی اگزستانسیال فرض را بر این می‌گذارد که اضطراب برخاسته از رویارویی فرد با دلواپسی‌های غایی هستی است. اساس روان‌درمانی وجودی بر پایه دلواپسی‌های غایی بنا شده است. این دلواپسی‌ها به چهار مقوله عمده تقسیم می‌شود: مرگ، آزادی، تنهایی، پوچی. هرکدام از این عناوین تا رهایی از یک ریسمان بهم آویخته‌اند که مدل یکپارچه اگزستانسیال را به وجود می‌آورند.

در توصیف برداشت معنایی و ذهنی نذرکننده‌ها از نذر، درمی‌یابیم که نذرکننده‌ها یک فرایند انتقالی را در فرایند نذرکردن برمی‌سازند. فرایندی انتقالی برای عبور از ناملایمات و ناخشنودی

از وضعیت حاضر، به وضعیتی مناسب‌تر، خوشایندتر، کم‌اضطراب‌تر و کم‌استرس‌تر، که ناشی از نگرانی از وضعیت مبهم پیش‌روست و ناخشنودی از موقعیت صعب و ناخوشایندی است که در آن قرار داریم، به سمت موقعیت بهتر، آرام‌تر، امیدبخش‌تر، امیدوارانه‌تر، متعالی‌تر و معنوی‌تر و برای زندگی بامعنا تر و لذت‌بخش‌تر.

بسیاری از نذرکننده‌ها از نذر به عنوان ابزاری برای تأمین نیازهای روانی و روحی خود، ایجاد آرامش و احساس تسکین و حتی برای تکامل روحی و معنوی خود استفاده می‌کردند. نذر وسیله‌ای برای برطرف کردن نیازها و در عین حال ارضای نیازهای جسمی و روحی آنها است. همچنین وسیله‌ای برای ایجاد آرامش و کمال در فرد نذرکننده. به قول لوی اشتراوس، در مبادله آن چیزی که اهمیت دارد، خود مبادله است، نه آنچه مبادله می‌شود.

نذر، ذکر و نذر کردن برای انجام ذکر فراخوان نیروهای ماورایی، خداوند و امر قدسی برای حضور دائم در زندگی روزمره نذرکننده‌هاست. برای حس کردن و لمس کردن نیرو و قدرتی که دیده نمی‌شود و به چشم نمی‌آید.

بسیاری از متفکران منشأ دین را احساس ترس و خشیت مطرح کرده‌اند. این هراس بر اساس مفهوم مخلوقیت هم قابل توصیف است. اتو می‌گوید احساس چنین راز هیبت‌ناکی ممکن است گاهی اوقات همچون موجی آرام در عمیق‌ترین حالت آرامش به ذهن هجوم آورد. اتو می‌گوید تنها نوع عبارتی که می‌تواند نتیجه و محصول هراس محض باشد، آن نوع عبارتی است که به عنوان کفاره و جلب رضامندی یا جلوگیری از غضب یا فرونشاندن خشم مقام الوهیت صورت می‌پذیرد (اتو، ۱۳۸۳: ۸۵). عمل دینی ممکن است خود را به شکل‌های عادی و کاملاً معقول متجلی سازد. سراسر تاریخ ادیان را فرا گرفته است. شکل‌هایی مانند جلب رضامندی، حاجت‌خواهی، قربانی، شکرگزاری و غیره (همان).

بعضی از نذرکننده‌ها از مفهوم استرس برای نشان دادن این خشیت یاد کردند. استرس هم برای قابل تحمل کردن زمان انتظار برای وقوع خواسته و هم برای ترس از عدم تغییر نذر بعد از انعقاد قرارداد نذر بین فرد و خداوند. به این علت که می‌ترسیم مبادا با کم‌توجهی به نیروها و قدرت ماوراءالطبیعی، آنها را بر سر خشم آوریم و مانع از به ثمر رسیدن خواسته خودمان شویم.

احساس هیچ بودن در مقابل موجود برتری که به ما یادآوری می‌کند که هر چه هست اوست و او از ما بهتر به مصلحت زندگی ما واقف است، موضوعی است که به واسطه نذر کردن برای نذرکننده‌ها ایجاد می‌شود.

آرام شدن و امنیت ذهنی یکی از بر ساخته‌های ذهنی است که از طریق نذر بین فرد و امر ماورایی پیوند برقرار می‌کند و او را آرام می‌کند. این آرام شدن، نوعی تجربه ذهنی و دینی که درون فرد رخ می‌دهد و فرد را به انجام عملی که به ظاهر توجیه عقلی، منطقی، و مادی ندارد بر می‌انگیزد و حتی در صورت شکست و دریافت نتیجه متفاوت و معکوس، باز او را به تکرار عمل بر می‌انگیزد. حتی در صورت دریافت نتیجه معکوس، باز هم موجب تکرار می‌شود. نتیجه‌مدار نیست، چون فرد به دنبال اغنای آن حس درونی است نه رخداد امری در بیرون که انجام یا عدم انجامش فرد را از تکرار این رفتار باز دارد. رفتاری که در گذشته بارها تکرار شده و فقط در موارد محدودی به نتیجه انجامیده است.

تجربه‌ای که فرد از راه نذر کردن به دست می‌آورد، مستقل از عقیده اوست و گاه با سایر کنش‌های دینی یا غیردینی او همخوانی ندارد و دارای یک استقلال ذاتی است. به همین دلیل حتی کسانی که به انجام رفتارهای متعارف دینی پایبند نیستند، باز نذر را راهی برای دریافت معنویت می‌دانند.

بر اساس آنچه از تحلیل برداشت ذهنی نذرکننده‌ها دریافتیم، یکی هم این است که از نظر نذرکننده‌ها، نذر دارای استقلال ذاتی است و فرد بی‌واسطه و اصیل، با امر قدسی ارتباط برقرار می‌کند. این تجربه از عقاید دینی او هم مستقل است و در مواردی حتی از آن هم مشتق نشده است. فرد می‌گوید:

«من اعتقاد مذهبی ندارم. نماز روزه را هم زیاد قبول ندارم. اما نذر یک موضوع متفاوت است. من وقتی نذر می‌کنم احساس می‌کنم دارم با کائنات ارتباط برقرار می‌کنم. دارم کائنات را تحت سلطه خودم قرار می‌دهم و آنها را بر می‌انگیزم که به خواسته من توجه کنند و آن را برآورده کنند. احساس می‌کنم با نذر کردن همه کائنات سازماندهی می‌شوند فقط برای برآوردن نذر من.»

نذرکننده‌ها صرف نظر از فعلی که به عنوان عمل دینی انجام می‌دهند، حس دینی را هم تجربه می‌کنند. دین مقوله‌ای شهودی و حسی هم هست. از این نظر فهم و توصیف معنای دین با استفاده از نذر کردن اهمیت دارد. آنچه فرد هنگام نذر کردن می‌چشد یا حس می‌کند، احساس

و شهودی که هنگام نذر کردن به آن دست می‌یابد یا آنچه موقع برآورده شدن نذر می‌چشد، از جنس احساس و شهودی است که می‌تواند به عنوان نمود واقعی و راستین دین مورد توصیف قرار بگیرد. فرد نذرکننده با برآورده شدن نذر، احساس راستین پیوند با امر قدسی را تجربه می‌کند. تجربه‌ای از جنس شهود و لمس معنا.

ناخشنودی در زندگی و نارضایتی‌ها، رنج‌ها، ناتوانی‌ها، ترس و رویدادهای ناخوشایند و غیر قابل کنترل زندگی از طریق انجام مناسک نذر ارتقا می‌یابد و به امری معنابخش به زندگی تبدیل می‌شوند. به واسطه نذر، رویدادهای ناهنجار زندگی و اتفاقات ناخوشایند به یک موضوع قابل کنترل تبدیل می‌شوند. با کنش دینی این امکان فراهم می‌شود که از ناهنجاری امور جلوگیری شود. مری داگلاس می‌گوید دین جلوی ناهنجاری را می‌گیرد. بر اساس یافته‌های ما، نذر با تأکید بر محورهای اخلاقی و بازتولید اخلاق درونی و فردی چنین کاری می‌کند.

معنای نذر در شیعه بر اساس یافته‌های پژوهش

نذر در فقه شیعه جزو معدود رفتارهای دینی است که در عین حال که کنشی کاملاً دینی محسوب می‌شود، اما انجام یا عدم انجام آن (تا قبل از تصمیم فرد باورمند به انعقاد پیمان نذر با امر قدسی) در اتصال یا انشقاق نذرکننده‌ها با مقدسات امر دینی نقشی ندارد. اما با تصمیم به انعقاد نذر، نذر از قالب یک عمل دینی بدون اتصال با امر واجب یا حرام، به صورت امری واجب برساخت می‌یابد و نذرکننده که تا قبل از انعقاد نذر، هیچ محدودیت یا ضرورتی برای انجام آن نداشت، پس از انعقاد قرارداد نذر بین فرد نذرکننده و خداوند، به فردی ملزم به انجام «امر واجب» تبدیل می‌شود.

نذر یک عمل دینی آگاهانه است و گرچه تا قبل از انجام و انعقاد پیمان، انجام آن واجب نیست، اما به محض تحقق قرارداد نذر، به یک امر واجب تبدیل می‌شود و سرپیچی از آن به منزله نافرمانی دینی تلقی می‌گردد و مستوجب مجازات و کفاره است.

بر اساس فقه شیعه، نذر لزوماً یک منسک دینی هم نیست و در بسیاری از موارد انجام نذر مستلزم پایبندی به انجام مناسک دینی خاصی نیست. نذر به سهولت و در عین حال پیچیدگی، بین فرد نذرگذار و خداوند برقرار می‌شود و می‌تواند بدون انجام مناسک یا آداب خاصی ادا شود. سادگی نذر از این روست که نذر در فقه شیعه، جز نیت و تعهد فرد نذرگذار و برقراری

ارتباط معنایی و معنوی با امر قدسی - که ممکن است امامان، خداوند، امامزادگان و .. باشند - مستلزم وجود هیچ گونه مقدمات و زمینه‌های مذهبی دیگری نیست. در عین حال، پدیدارشناسی نذر در بین کنشگران آن نشان داد که نذر همچون نیایش، ناب‌ترین وجه ارتباط فرد معتقد و باورمند با ذات قدسی است و بدون نیاز به گسترش مقدماتی برای تحقق امر عبادی، انجام می‌شود. نذرکننده میان خود و امر قدسی یک نظام معنایی برمی‌سازد و بدون انجام مقدماتی خود را ملزم به ترک یا انجام عبادت می‌کند. آنچه در نذر مورد توجه قرار می‌گیرد، معنایی است که از طریق نذر کردن بر ساخته می‌شود و هویت منحصر به فرد برای نذر خلق می‌کند. نذر یک امر خودخواسته است. فرد همه فرایندها را انجام نذر را به صورت فردی، کاملاً خلاقانه و رها از قید و بندهای متعارف اجتماعی و دینی انجام می‌دهد. اما به محض تحقق قرارداد نذر، به یک امر عبادی اجباری تبدیل می‌شود که امکان سرپیچی از آن وجود ندارد؛ خصالتی که در هیچ یک از دیگر مناسک دینی غیر واجب وجود ندارد. در واقع این خود «پیمان» و تعهد قلبی است که نذر را به یک منسک دینی واجب تبدیل می‌کند، نه خود آن.

منابع

- آرون. ریمون (۱۳۷۷). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- اتو. رودولف (۱۳۸۰). *مفهوم امر قدسی*. ترجمه و توضیح: همایون همتی. تهران: نقش جهان.
- ایمان. محمدتقی (۱۳۹۱الف). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- (۱۳۹۱ب). *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الیاده. میرچا (۱۳۹۲). *آیین‌ها و نمادهای تشریف*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نیلوفر.
- (۱۳۹۵). *تاریخ اندیشه‌های دینی*. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: کتاب پارسه.
- باومن. زیگمونت (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی کاربردی در زندگی روزمره*. ترجمه راضیه خزاعی. تهران: لوح فکر.
- بلیکی. نورمن (۱۳۹۱). *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*. ترجمه و تدوین: سید حمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان و سید مسعود ماجدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- (۱۳۹۲). *استراتژی‌های پژوهش اجتماعی*. ترجمه هاشم آقاییگ پوری. تهران: جامعه‌شناسان.
- بوآس. فرانتس (۱۳۹۱). *مردم‌شناسی هنر*. ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر. تهران: به‌آذین.
- بوی. فیونا (۱۳۹۲). *انسان‌شناسی دین*. ترجمه مهرداد عربستانی. تهران: افکار.
- بهار. مهری (۱۳۸۳). *نذر و هویت اجتماعی زنان*. نامه علوم اجتماعی. ۱۱(۴). ۱۱۷-۱۳۲.
- پارسانیا. حمید و توکلی‌راد. حمید (۱۳۹۰). *کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی (بررسی موردی روستاهای شهرستان فومن - استان گیلان)*. فصلنامه توسعه محلی. ۳(۲). ۶۹-۸۶.
- تراب‌زاده. عباس (۱۳۹۱). *بررسی تحلیل مردم‌شناختی زیارتگاه‌های شهرستان کاشان*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جمادی. سیاوش (۱۳۹۲). *زمینه و زمانه پدیدارشناسی*. تهران: ققنوس.
- حاجی حیدری. حامد (۱۳۸۸). *آنتونی گیدنز، مدرنیت، زمان، فضا*. تهران: اختران.
- دورکیم. امیل (۱۳۹۳). *صور بنیانی حیات دینی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- ریتزر. جورج (۱۳۸۱). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- فرحزاد. یاسمین (۱۳۹۳). *آیین‌های مذهبی زنانه: نگاهی به نذر و گونه‌شناسی آن*. سایت انسان‌شناسی و فرهنگ. قابل دسترس در <http://anthropology.ir/node/23945>
- فریزر. جیمز (۱۳۹۴). *شاخه زرین، پژوهشی در جادو و دین*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.

- فعالی. محمدتقی (۱۳۷۹). تجربه دینی و مکاشفه عرفانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فلیک. اووه (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کاتک. کنراد فیلیپ (۱۳۸۶). انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کاهیرده. نسیم (۱۳۹۳). نذر، پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی در بستر مناسک. قابل دسترس در <http://anthropology.ir/article/30768>
- کوزر. لوئیس (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. تهران: علمی.
- گیدنز. آنتونی (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- محمدپور. احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱. تهران: جامعه‌شناسان.
- نقیسی. سعید (۱۳۸۸). تاریخ تمدن ایران ساسانی. تهران: پارسه.
- ولی‌لو. مریم (۱۳۹۱). سفره‌های نذری در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی.
- همیلتون. ملکم (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: تیبان.
- Ammerman, N. T. (2014). **Sacred stories, spiritual tribes; finding religion in everyday life**. New York: Oxford University Press.
- Berlinerblau, J. (1996). **The vow and the popular religious groups of ancient Israel**. Sheffield: Sheffield Academic Press
- Cartledge, T. W. (2002). **Vows in the hebrew bible and the ancient near east**. Sheffield: Sheffield Academic Press
- Crotty, M. (1996). **Phenomenology and nursing research**. London: Churchill Livingstone.
- Davie, G. (2007). **Sociology of religion**. London: Sage.
- Gibson, T. (2007). **Islamic narrative and authority in southeast Asia: From the 16th to the 21st century (contemporary anthropology of religion)**. London: Palgrave Macmillan.
- Ginsberg, H. L. (1945). **Psalms and inscriptions of petition and acknowledgement**. in Louis Ginzberg: Jubilee Volume On the Occasion of his Seventieth Birthday. New York: The American Academy for Jewish Research. 71-159.
- Raj, S. J. & Harman, W. P. (2006). **Dealing with deities; The ritual vow in south Asia**. New York: State University.
- Rosenblatt, S. (1935). **The Relations between jewish and muslim law concerning oaths and vows**. In Proceedings of the American Academy for Jewish Research. 7. 229-243. New York. (1935-1936).
- Saldaña, J. (2009). **The Coding manual for qualitative researchers**. London: Sage.
- Schlesinger, H. J. (2008). **Promises, oaths, and vows; On the psychology of promising**. New York: The Analytic Press.
- Stirling, J. A. (2001). **Thematic networks: An analytic tool for qualitative research**. Commission for Health Improvement, England in Qualitative Research. London: SAGE Publications.
- Turner, V. (1969). **The ritual process structure and anti-structure**. New York: Cornell University Press.